

به نام خدا

فهرست مطالب

سخن نخست.....	۱
آیا اوپاما می‌تواند چالش ایران را برطرف کند؟.....	۲
پرهیز از بدترین نتایج.....	۴
ایران، ایران، ایران.....	۷
با ایران چگونه برخورد کنیم؟.....	۹
نابودی شیطان کوچک: چرا ایران باید جدی گرفته شود.....	۱۱
ایران می‌تواند متحد آمریکا باشد.....	۱۳
نگاه از بیرون: دام مذاکرات ایران.....	۱۵
مشکل ایرانی اوپاما.....	۱۷
استراتژی انتقال: اگر ایران هسته‌ای شود.....	۱۹
خروج از بن‌بست هسته‌ای.....	۲۱
اسرائیل، غزه و ایران: درگیر کردن اوپاما در تله تصورات نادرست.....	۲۳
چه چیزی ایران را خوشحال می‌کند؟.....	۲۵
ایران در قبال جنگ غزه بسیار می‌گوید و کم عمل می‌کند.....	۲۷
انفعال اعراب در غزه، نفوذ ایران را تقویت کرده است.....	۲۹
ایران از حماس حمایت می‌کند اما حماس آلت دست ایران نیست.....	۳۲
شکست حماس، ایران را شکست نخواهد داد.....	۳۵
وتوی ایران بر صلح خاورمیانه.....	۳۷

ماهنامه کاوش (۲۲)

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۴۹۰

بهمن ماه ۱۳۸۷

دفتر: مطالعات سیاسی



ماهنامه کاوش (۲۲)

سخن نخست

ماهنامه کاوش که شماره ۲۲ آن در اختیار شماست با هدف انتقال چکیده مهم‌ترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی در قبال مسائل ایران تهیه می‌شود. از آنجا که مسلماً درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب حاصل می‌شود. بنابراین در این ماهنامه تلاش شده است تا عمده‌ترین مطالب ماه گذشته میلادی مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی که به‌نحوی به مسائل کشورمان می‌پردازند جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان درج شود. در این شماره مقالاتی در مورد سیاست خارجی او‌باما و رویکرد دولت آمریکا در قبال مذاکره با ایران و برنامه هسته‌ای آن، جنگ غزه و پیامدهای آن بر ایران و منطقه خاورمیانه و سایر موضوعات جدید مرتبط با ایران پرداخته شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها، به منزله قبول و تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی نیست. ماهنامه کاوش جهت تقویت و بهبود رویه از پیشنهادهای و انتقادهای اندیشمندان محترم استفاده می‌کند.



عنوان: آیا او‌باما می‌تواند چالش ایران را برطرف کند؟^۱

نویسنده: نینا همدانی

منبع: Washington Report on Middle East Affairs^۲

شورای ملی آمریکاییان ایرانی (NIAC) کنفرانسی را در مورد روابط ایران و آمریکا پس از روی کار آمدن او‌باما تشکیل داد و در آن به بررسی سیاست‌های جدید احتمالی دو کشور در قبال یکدیگر پرداخت. در این کنفرانس با اشاره به اینکه در ۳۰ سال گذشته رفتار تهدیدآمیز آمریکا و ایران هیچ مسئله‌ای را تغییر نداده است عنوان شد که روی کار آمدن او‌باما فرصت مناسبی است که می‌توان به این وضعیت پایان داد و از طریق مذاکره و گفت‌وگو، رفتار ناموفق گذشته را به مسئله‌ای موفقیت‌آمیز تغییر داد. در نتیجه این کنفرانس متخصصان به این نتیجه رسیدند که آمریکا باید پنج سیاست ذیل را در قبال ایران اتخاذ کند:

۱. جایگزینی سیاست تغییر رژیم با استراتژی بلندمدت ارتباط و تقویت دیپلماسی،
۲. حمایت از مسئله حقوق بشر به شکل قانونی و نه مداخله‌آمیز به‌عنوان یک دیپلماسی پیش رو،
۳. اجازه به حضور ایران در عراق، افغانستان و منطقه،
۴. تعقیب مسئله هسته‌ای ایران در چارچوب گسترده مذاکرات ایران و آمریکا و نه به‌عنوان یک پیش‌شرط،

1. Nina Hamedani, "Can Obama Untangle the Iranian Challenge?" Washington Report on Middle East Affairs, Jan/ Feb 2009, Vol 28, Issue 1.

۲. دو ماهنامه گزارش واشنگتن درباره مسائل خاورمیانه، به بررسی تحولات منطقه می‌پردازد.



۵. تغییر رفتار آمریکا به یک میانجی بی طرف در فرایند صلح اعراب و اسرائیل. به عقیده کارشناسان در این کنفرانس مذاکره با ایران می تواند ما را به اطلاعاتی برساند که در نتیجه آنها سیاست های مطلوب تری اتخاذ کنیم. آمریکا از تاریخ مسائل سیاسی ایران شناخت کافی ندارد، لذا تعقیب سیاست های گذشته منتج به نتیجه نمی شود. دوران گفتمان محور شرارت پایان یافته است و باید با چندجانبه گرایی و گفت و گو و مذاکره منتظر پیشرفت جدی در روابط دو کشور باشیم.



عنوان: پرهیز از بدترین نتایج

نویسنده: مارک فیتز پاتریک^۱

منبع: ILSS^۲

اگر رهبران آینده ایران علاقه مندی خود را به مذاکره نشان دهند بسته مشوق ها باید تجدید شود. آمریکا کارت های تشویقی زیادی همچون برقراری پرواز مستقیم بین آمریکا و ایران، آزادی دارایی های ایران (حدود ده میلیارد دلار) و لغو تحریم های اعمال شده از سال ۱۳۵۷ را در اختیار دارد. مشوق های فوق به تنهایی منتج به نتیجه نمی شوند و باید منافع ایران در حوزه امنیتی و پرستیژی هم مورد توجه قرار گیرد تا برای ایران انگیزه ایجاد کند. شرکای مذاکراتی ایران باید براساس مواضع خود مذاکره کنند و اجازه دهند ایران هم روش مذاکراتی خود را پیش ببرد ولی باید نیازمندی های طرف مقابل را به درستی شناسایی کرد.

برخی اروپایی ها پیشنهاد می دهند که مشوق ها باید شامل پایان بخشیدن به انزوا و تحریم ایران، اعتراف به حاکمیت و نقش منطقه ای ایران، تضمین امنیتی از سوی آمریکا و پایان دادن به برنامه ارتقای دموکراسی در ایران توسط آمریکا باشد. تماس با ایران لزوماً نباید مترادف با شناسایی جمهوری اسلامی باشد بلکه از این کارت باید وقتی که مذاکرات واقعی شکل گرفت استفاده کرد. اگرچه دولت آقای احمدی نژاد ممکن است به دنبال تضمین امنیتی نباشد ولی تیم مذاکراتی گذشته وی آشکارا نگرانی های

1. Mark Fitzpatrick, "The Iranian Nuclear Crisis: Avoiding Worst – Case Out Comes", The International Institute For Strategic Studies, December 2008.

۲. از پایگاه های بررسی و تحلیل مسائل استراتژیک است.



امنیتی خود را ابراز می‌داشتند. در ژوئیه ۲۰۰۴ مذاکره‌کنندگان ایرانی در ملاقات با سه کشور اروپایی در پاریس درخواست کردند که توجه به «دغدغه‌های امنیتی» ایران در شروط تعلیق موقت لحاظ شود. رویکرد مسیر دو سویه غرب بخشی از استراتژی تنش‌زدایی در عصر جنگ سرد محسوب می‌شود و کاربرد قاطع آن فرصت‌های روی کار آمدن یک رئیس‌جمهور هماهنگ‌تر را به‌جای رئیس‌جمهور فعلی ایران تقویت خواهد کرد. چشم‌انداز تحریم‌های مؤثرتر از سوی شورای امنیت قبل و در خلال بحران گرجستان گسترش یافت و در حال حاضر هماهنگی جمعی از طریق شورای امنیت کمتر محتمل است. باید از طریق شورای امنیت مکانیسم‌های اعمال تحریم‌های موجود را با استقرار کارشناسان امور گمرکی در دویی که بیش از ۶۰ درصد تجارت خود را با ایران انجام می‌دهد، تقویت کنیم. تحریم‌ها در عین حال نقش بازدارنده ایفا می‌کنند. روش‌های مهار ایران باید شامل موانع حقوقی برای جلوگیری از خروج این کشور از NPT هم بشود. گزینه عقب‌نشینی با اهداف محدود ساختن برنامه غنی‌سازی ایران به‌نوبه خود نوعی استراتژی مهار محسوب می‌شود. با هشداردهی به ایران باید خط فاصل بین ظرفیت پنهانی ایران (تولید مواد شکاف‌پذیر) و تسلیحاتی کردن این ظرفیت را بیشتر کرد. هر چه این خط روشن‌تر و آشکارتر شود استراتژی بازدارندگی ایران برای عبور از این خط شدنی‌تر خواهد بود. هدف کلی این استراتژی تأثیرگذاری بر تصمیم‌سازی راهبردی ایران از طریق تقویت دلایلی است که این کشور را در مسیر ساخت اسلحه اتمی متوقف می‌سازد. هر پیشنهادی که بر مشروعیت برنامه غنی‌سازی ایران صحه‌گذار منجر به تضعیف موضع مذاکراتی غرب خواهد شد و به شیوع غنی‌سازی در سایر کشورهای منطقه نیز کمک می‌کند. سیاست



دوسویه تماس، تحریم غرب مبتنی بر استراتژی هدفمند مهار برای تحدید دسترسی ایران به فناوری‌ها و مواد حساس، هنوز هم بهترین طریقه آزمون امکان همکاری ایران است و هم‌زمان هوشیاری و کنترل تهدید گسترش هسته‌ای را پایدار می‌سازد. اگر تماس و مذاکره هم شکست خورد استراتژی تحریم همچنان بنیانی برای مهار بلندمدت باقی خواهد ماند.



عنوان: ایران، ایران، ایران^۱

نویسنده: ویلیام لویرز

منبع: International Herald Tribune^۲

نویسنده با اشاره به مهم‌ترین مسائل امنیت ملی دولت اوپاما یعنی گسترش سلاح‌های هسته‌ای، جنگ عراق، وضعیت رو به وخامت افغانستان معتقد است که نقطه مشترک همه این مسائل ایران است. در واقع اگرچه هر سه چالش اصولی امنیت ملی می‌توانند راه‌حلی دیپلماتیک داشته باشند، اما فقط در صورتی که آمریکا در این راه تلاش کند و ایران را به‌طور جدی وارد بازی کند، موفقیت حاصل خواهد شد چنانچه بنابه گفته ژنرال پترائوس رئیس فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا، ایران با آمریکا منافع مشترک بسیاری در عراق و افغانستان دارد، از جمله اینکه هر دو حامی دولت‌های مرکزی عراق و افغانستان هستند و هر دو در پی ثبات این مناطق و مخالف تروریست‌های سنی، القاعده و طالبان هستند. براین اساس نویسنده پیشنهاداتی برای دولت آمریکا مطرح می‌کند که لازمه آنها یک استراتژی دیپلماتیک منطقه‌ای است که ایران را نیز شامل می‌شود. نویسنده به آمریکا پیشنهاد می‌کند، بدون پیش‌شرط با ایران مذاکره کرده و به متحدان اروپایی خود جهت ارائه طرحی جدید برای غنی‌سازی اورانیوم ایران کمک کند تا براساس این برنامه، پرونده هسته‌ای ایران به شکل چندجانبه و همراه با افزایش نظارت بین‌المللی مدیریت و اجرا شود. نویسنده معتقد است تاکنون

1. William Luers, Thomas Pickerning & Jim Walsh, "Iran, Iran, Iran", International Herald Tribune, January 16, 2009.

۲. از نشریات معتبر بین‌المللی است.



تحریم‌های اعمال شده علیه ایران بی‌ثمر بوده و علی‌رغم ایجاد برخی مشکلات اقتصادی در این کشور عملاً این تحریم‌ها به نتیجه نخواهد رسید. از سوی دیگر در مورد دو چالش دیگر امنیت ملی آمریکا یعنی خروج آمریکا از عراق و افغانستان نیز مشارکت ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای و سازمان ملل ضروری است. با توجه به این شرایط به عقیده نویسنده، مذاکرات دیپلماتیک میان ایران و آمریکا باید در محورهای زیر باشد: تمامیت ارضی عراق، آشتی ملی، پایان دادن به حمایت نظامی از گروه‌های غیردولتی عراق و افغانستان، بازگرداندن آوارگان این کشورها و در پیش گرفتن اقداماتی برای اعتمادسازی همسایگان ایران. نویسنده در پایان تأکید می‌کند که رسیدن به ثبات منطقه‌ای بدون در نظر گرفتن ایران غیرممکن است و سیاست چماق و هویج نیز کارساز نبوده و از این‌رو زمان آن فرا رسیده که آمریکا، ایران را به‌عنوان کشوری تأثیرگذار بپذیرد.



عنوان: با ایران چگونه برخورد کنیم؟^۱

نویسنده: توماس پیکرینگ

منبع: New York Review of Books^۲

سه مسئله مهم در دستور کار سیاست خارجی و امنیت ملی اوپاما عبارتند از: اشاعه هسته‌ای، امنیت عراق و امنیت افغانستان. فصل مشترک هر سه مسئله فوق ایران است؛ لذا آمریکا باید از طریق مذاکره با ایران این سه مشکل را حل کند. درواقع مذاکره با ایران به‌خاطر حضور و قدرت منطقه‌ای ایران است. اما نکته مهم این است که باید این سه موضوع را به صورت یکپارچه و در یک بسته نگریست و از تفکیک آنها پرهیز کرد. درواقع علت شکست سیاست خارجی بوش در این سه موضوع، تفکیک آنها از یکدیگر بود. بر این اساس سیاست جدید آمریکا برای حل این مسائل باید بر سه اصل استوار باشد: مرتبط دانستن مشکلات فوق، توجه به منافع و دغدغه‌های طرف‌های ثالث در رابطه با این موضوعات و درنهایت لزوم نهادسازی منطقه‌ای و جهانی برای پرداختن به این مسائل. در عین حال سیاست واقعی آمریکا در قبال ایران باید بعد از انتخابات ایران رونمایی شود و در این دوره کوتاه آمریکا باید به دنبال انجام اقداماتی باشد که به ایران نشان دهد اولاً واقعاً آماده مذاکره است و ثانیاً بتواند در این دوره به تفاهمات اولیه برسد. اصل اساسی در این دوره لزوم تغییر لحن و الفاظ آمریکا در برابر ایران است. آمریکا باید بداند که در بحث هسته‌ای

1. Thomas R. Pickering, "How to Deal With Iran?", New York Review of Books, January – February 2009.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی بررسی آخرین کتب منتشر شده در دنیا است.



ایران گزینه‌های زیادی ندارد و پافشاری روی ایده «محو سانتریفیوژهای» ایران قبلاً شکست خورده است. در این رابطه آمریکا باید جداً به دنبال تأسیس کنسرسیوم غنی‌سازی چندجانبه بین‌المللی در خاک ایران باشد و بداند که سیاست موازی مذاکره و تحریم فایده نخواهد داشت.



عنوان: نابودی شیطان کوچک: چرا ایران باید جدی گرفته شود^۱

نویسنده: زیو مگن

منبع: Commentary^۲

نویسنده معتقد است انتخاب احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری ایران باعث تغییر جدی نظرات ایرانیان درباره اسرائیل شده و از سوی دیگر این ایده را تقویت کرده که دولت یهود، دولتی ضعیف و ناپایدار و هدفی برای حمله مسلمانان است. در ابتدای گزارش نویسنده تأکید می‌کند که هرچند کارشناسان مسائل خاورمیانه و ایران این مواضع را صرفاً لفاظی می‌دانند که جنبه عملیاتی پیدا نمی‌کند اما به اعتقاد وی، واقعیت سیاست‌های ایران در این جملات بیان شده و بنابراین این سخنان را جدی گرفت.

نویسنده با ذکر مثال‌های متعددی از حمایت‌ها و شعارهای مردمی در مخالفت با آمریکا و به‌خصوص اسرائیل معتقد است این شعارها جنبه عملی داشته و از اعتقادات مردم برخاسته است. به عقیده وی شعارهای مردمی علیه آمریکا به اندازه شعار علیه اسرائیل خصمانه نیست. ایران به دنبال بهبود روابط با آمریکاست این در حالی است که به هیچ‌وجه، مصالحه با اسرائیل را نمی‌پذیرد و این کشور را به رسمیت نمی‌شناسد. در واقع مسلمانان معتقدند لابی صهیونیستی در آمریکا بسیار قدرتمند بوده و با غلبه بر مظاهر فرهنگی و هالیوود سعی در ارائه چهره‌ای منفور از اسلام دارد. بنابراین تصور آنکه صهیونیست‌ها پشت پرده تمام مسائل هستند در بین

1. Ze'ev Maghen, "Eradicating the "Little Satan": Why Iran Should Be Take at Its Word," Commentary January 2009.

۲. از نشریات وابسته به وزارت دفاع آمریکاست.



مسلمانان وجود دارد. در این میان هرچند در سال‌های اخیر ضعف اسرائیل بیشتر نمایان شده و این تصورات رو به افول است؛ اما این تفکرات باعث می‌شود اندیشه نابودی و محو اسرائیل از نقشه همواره وجود داشته باشد. نویسنده معتقد است سخنان احمدی‌نژاد در مورد اسرائیل مبنی بر پوشالی بودن قدرت آن در سال‌های اخیر در حال تحقق است و این باعث جسارت مسلمانان می‌شود و لذا این سخنان تهدید جدی اسرائیل محسوب می‌شود. خروج اسرائیل از غزه در سال ۲۰۰۵، شکست اسرائیل از حزب... و خروج این کشور از لبنان در سال ۲۰۰۰ و متعاقب آن شکست در جنگ ۳۳ روزه نشانه‌های ضعف اسرائیل است.

آیتا... خمینی قبلاً در مورد ضعف اسرائیل و اینکه اگر هر مسلمانی یک سطل آب به اسرائیل بریزد این کشور محو خواهد شد، سخنانی ایراد کرده بود. در حال حاضر احمدی‌نژاد که خود را احیاگر تفکرات انقلابی می‌داند با تکیه بر آن کلمات، سخن از محو اسرائیل به زبان می‌راند. بر این اساس به‌نظر نویسنده ایران و متحدان مسلمانانش با این اعتقادات تهدید جدی برای اسرائیل محسوب می‌شوند، به‌نحوی که اگر غرب که در حال مصالحه با خاورمیانه است این شرایط را در نظر نگیرد خطر جدی برای اسرائیل به‌وجود خواهد آمد. نویسنده در پایان تأکید می‌کند که غرب نمی‌تواند با چنین اعتقاداتی امیدوار مصالحه در خاورمیانه باشد. از سوی دیگر اسرائیل نیز باید این چالش‌ها را جدی بگیرد و خود را آماده مبارزه با آنها کند وگرنه این مسئله مقدمه‌ای بر شکست اسرائیل خواهد بود.



عنوان: ایران می‌تواند متحد آمریکا باشد^۱

نویسنده: زبگینیو برژینسکی

منبع: World Politics Review^۲

مشاور اسبق رئیس‌جمهور آمریکا معتقد است ایران می‌تواند متحد آمریکا باشد. برژینسکی که در حال حاضر به‌عنوان مشاور اوباما در زمینه سیاست خارجی فعالیت می‌کند معتقد است در جهان معاصر هیچ چیز به اندازه عدم وجود سیاست واحد در زمینه انرژی موجب ضعف غرب نشده و این مسئله چه در روابط جداگانه کشورهای اروپایی و چه در روابط آمریکا و اروپا مشاهده می‌شود. به عقیده وی روی کار آمدن یک دولت جدید در آمریکا و تغییر خط‌مشی سیاسی آن با هدف تنظیم سیاست انرژی واحد می‌تواند این مشکل را حل کند. به گفته برژینسکی غرب باید در سطوح بالاتری به همکاری با کشورهای آسیایی پردازد ولی رهبران این کشورها که با کمال میل آماده چنین همکاری هستند در انزوا قرار دارند و مواضع بین‌المللی آنها ضعیف است. به گفته وی غرب باید دورنماهای وسیع‌تری از جمله همکاری با ایران را در زمینه انرژی و به‌ویژه گاز مدنظر قرار دهد. ایران می‌تواند نقش مهمی در کاهش وابستگی غرب در زمینه انرژی ایفا کند. چون ایران مکان دوم جهان را از نظر ذخایر گاز دارد و هنوز کارهای زیادی در زمینه زیربنای استخراج و انتقال نفت در این کشور می‌توان انجام داد. اگر ایران در سیستم تجارت جهانی گنجانده شود بهای نفت و گاز کاهش و

1. Zbigniew Brezinsky, "Iran and U.S: Potential Allies", World Politics Review, December 19, 2008.

۲. پایگاه «مرور جهان سیاست» به بررسی مسائل و تحولات مختلف بین‌المللی می‌پردازد.



امنیت انرژی اروپا افزایش می‌یابد. البته طبیعی است که این دو عامل نمی‌تواند بر راهبرد واشنگتن درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران تأثیر بگذارد؛ اما آمریکا نباید آن را از نظر دور نگه دارد. به هر حال غرب چاره‌ای جز به‌کارگیری اقدامات سنجیده ندارد. به همین دلیل باید گفت‌وگوهایی در سطوح بالا بین کشورهای صورت گیرد که به توسعه روابط با جهان تمایل دارند اما واقعیت‌های ژئوپلیتیکی آنها را با مشکل مواجه کرده است.



عنوان: نگاه از بیرون: دام مذاکرات ایران^۱

نویسنده: جیمز فیلیپس و پیتر بروکس

منبع: The Heritage Foundation^۲

این گزارش به بررسی پرونده هسته‌ای ایران و گزینه‌های محتمل در قبال آن پرداخته و تلاش کرده است تا با تأکید بر پیامدهای احتمالی ایران هسته‌ای، بایسته‌های مذاکره با ایران در این زمینه را مورد توجه قرار دهد. نویسندگان در ابتدای گزارش با اشاره به نظر برخی کارشناسان مبنی بر اینکه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران مانع تداوم فعالیت‌های هسته‌ای آن نمی‌شود و تنها تأخیری در این پروژه به وجود می‌آورد، تأکید می‌کنند که اگرچه جلوگیری از جنگ و گزینه‌هایی با حداقل هزینه ممکن، مدنظر سیاست‌گذاران آمریکایی است، اما آنان باید توجه داشته باشند که با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، هزینه‌های محتمل برای مقابله با ایران سنگین‌تر و بیشتر خواهد بود. از سوی دیگر جهت‌گیری ایدئولوژیک دولت ایران نیز مانع موفقیت رویکردهای دیپلماتیک در حل پرونده هسته‌ای آن می‌شود. به علاوه که پیامدهای سنگین دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نیز بسیار خطرناک خواهد بود. از نظر نویسندگان با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) عملاً کارایی خود را از دست داده و رقابت شدیدی برای هسته‌ای شدن در خاورمیانه میان کشورهای عربستان، مصر، ترکیه، عراق و الجزایر به وجود خواهد آمد. این مسئله نیز مسلماً

1. James Phillips and Peter Brookes, "Outside View: Iran Talks Trap", Heritage Foundation, December 22, 2008.

۲. از مؤسسات وابسته به نه‌نومحافظه‌کاران آمریکاست.



احتمال خطر جنگ هسته‌ای را افزایش خواهد داد. علاوه بر این نویسندگان معتقدند که ایران ممکن است برای جلوگیری از حمله نظامی به تأسیسات آن به انتقال سلاح‌های هسته‌ای به گروه‌های تروریستی نیز بپردازد و در این صورت امنیت منطقه با تهدیدات جدی مواجه خواهد شد. در ادامه گزارش، نویسندگان تأکید می‌کنند که این‌گونه تصورات و ذهنیات نادرست ایران، زمینه حمله آمریکا را به وجود می‌آورد. بنابراین لازم است که آمریکا گزینه‌های احتمالی بعد از شکست مذاکرات با ایران را نیز مدنظر داشته باشد. نویسندگان تأکید می‌کنند که مسئله هسته‌ای ایران یکی از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین پرونده‌های سیاست خارجی اوپاما را تشکیل می‌دهد. در این میان، ابزار تحریم و تهدید به حمله به ایران مهم‌ترین راهکارهای اوپاما برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران خواهد بود. نویسندگان در پایان گزارش معتقدند که آمریکا باید در مذاکرات با ایران، تلاش کند تا ایران را نسبت به این مسئله متقاعد کند که هزینه‌های تداوم فعالیت‌های هسته‌ای آن بسیار زیاد بوده و موجودیت رژیم را با چالش مواجه خواهد ساخت. از سوی دیگر از نظر نویسندگان در مذاکرات با ایران باید راه‌حل‌های فوری مورد توجه سیاست‌گذاران آمریکا باشد تا از طولانی شدن مذاکره و وقت‌گشتی ایران جلوگیری شود. همچنین اوپاما نباید قبل از تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران، مذاکراتی با مقامات عالیه ایرانی داشته باشد. به اعتقاد نویسندگان هر گزینه‌ای که به قبول مسئله‌ای کمتر از این راه‌حل‌ها منجر شود عملاً به ایران فرصت جدیدی برای تداوم فعالیت‌های هسته‌ای آن داده است.



عرصه منطقه‌ای قدرت ایجاد تحول در روند موجود را دارد و آمریکا باید با ایران محتاطانه برخورد کند.



عنوان: مشکل ایرانی اوباما^۱

نویسنده: رابرت درایفوس

منبع: Mother Jones^۲

یکی از وعده‌های اساسی اوباما در حوزه سیاست خارجی، تخلیه زمان‌بندی شده نیروهای ارتش آمریکا از عراق است. این اقدام با این فرض پیشنهاد شده که وضعیت ثبات و امنیت عراق در سطح مطلوبی است. اما در این رابطه دو نکته مهم مطرح است: اول آنکه ثبات فعلی عراق تا حد بسیار زیادی ثمره چراغ سبز و همکاری ایران با روند امنیت‌سازی در عراق بوده است. ثانیاً آنکه تنش‌های سیاسی داخلی عراق همچنان زنده هستند و در صورت خروج غیرمسئولانه یا عدم برقراری ترتیبات امنیتی که به آینده عراق سامان دهد وضعیت عراق آنچنان خشونت‌بار می‌شود که عرصه را بر اوباما به شدت سخت می‌کند. از نظر تحلیل‌گران مهم‌ترین اقدام باید برقراری سیستمی عادلانه از توزیع قدرت در عراق بین سنی‌ها و شیعیان باشد. اما این واشنگتن نیست که این کار را بتواند بکند، بلکه تهران است. ایران با توجه به نفوذ گسترده و حمایت‌هایی که از نیروهای فعال در عرصه سیاسی و نظامی عراق دارد حرف اول را در این حوزه می‌زند. بنابراین آینده عراق نیازمند دو معامله بزرگ و هم‌زمان آمریکاست. اولین معامله بزرگ باید بین نیروهای داخلی عراق باشد و معامله دوم باید مذاکرات جامع آمریکا با ایران باشد. ایران با داشتن کارت‌های مختلف بازی در

1. Robert Dreyfuss, "Obama's Iran Problem", Mother Jones, January 9, 2009.

۲. از نشریات معتبر حوزه مسائل نظامی - استراتژیک است.



عنوان: استراتژی انتقال: اگر ایران هسته‌ای شود^۱

نویسنده: جوزف کالینز

منبع: Armed Forces Journal^۲

ایران و برنامه هسته‌ای این کشور مهم‌ترین مسئله دولت اوپاماست. هر دو حزب آمریکا برنامه هسته‌ای ایران را غیرقابل قبول می‌دانند. با این وجود، ایران به‌سوی هسته‌ای شدن پیش می‌رود و ممکن است مجبور به پذیرش این امر غیرقابل قبول شویم؛ چراکه ایران احساس انزوا کرده و همسایگان و شرایطی دارد که مخالف وی هستند و از سوی دیگر ایران به دنبال کسب پرستیژ بین‌المللی است. تاکنون تلاش‌های آمریکا، اروپا و سازمان ملل برای توقف برنامه هسته‌ای ایران نیز بی‌ثمر بوده است. درواقع ضعف تاکتیک‌های غیرنظامی ما سبب شده است ایران به این مرحله برسد. حتی اقدام نظامی به تأسیسات هسته‌ای زیرزمینی و پراکنده ایران نمی‌تواند منتج به نتیجه مطلوب شود. چنین حمله‌ای تصمیم ایران برای به‌دست آوردن سلاح اتمی را قطعی کرده و حمایت از تندروها در این کشور افزایش می‌یابد. درواقع هرچند ممکن است چنین حمله‌ای، ایران را به لحاظ تکنولوژیک با محدودیت مواجه کند، ولی انگیزه دستیابی به سلاح اتمی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر اشغال و حمله نظامی تمام‌عیار به کشوری که چند برابر عراق وسعت دارد گزینه‌ای قابل اطمینان نیست، چراکه پس از حمله به ایران، اوضاع عراق، افغانستان، لبنان و سرنوشت بازار نفت مشخص نیست.

1. Joseph Collins, Transition Strategy: "If Iran Goes Nuclear", Armed Faces Journal, Dec 2008.

۲. نشریه نیروهای مسلح از نشریات وابسته به وزارت دفاع آمریکاست.



ازسوی دیگر باید توجه داشت که کشورهای کوچک نمی‌توانند از سلاح اتمی برای تهدید کردن دشمنان بزرگ استفاده کنند و سلاح اتمی از سال ۱۹۴۵ تاکنون استفاده نشده و استفاده از آن نیز تنها سبب بدنامی و نه کسب پرستیژ خواهد شد. همچنین ایران دارای منطق لازم بوده و تصمیمات احمقانه اتخاذ نخواهد کرد و این سلاح‌ها را به کشورها یا گروه‌های تروریستی دیگر منتقل نمی‌کند. از سوی دیگر جامعه بین‌الملل باید کنترل خود بر ایران را افزایش دهد و ایران را با این واقعیت روبه‌رو کند که استفاده از این سلاح‌ها علیه اروپا و کشورهای منطقه پاسخ مخربی دربر خواهد داشت. با توجه به این شرایط در حالی که آمریکا از قدرت کافی برای تغییر تصمیم ایران برخوردار نیست، اما می‌توان هزینه‌های این کشور را در این راستا افزایش داده و از طریق افزایش تحریم‌ها و محدودیت سفرهای مقامات ایرانی به خارج به ایران فشار آورد. از سوی دیگر آمریکا باید اعلام کند هر کشوری که توسط ایران تهدید شود با پاسخ آمریکا و حمایت این کشور مواجه خواهد شد و از طریق سامانه‌های دفاعی ضد موشکی پاسخ قاطعی دریافت خواهد کرد. در نهایت اقدامات هسته‌ای ایران ممکن است قابل مهار نباشد، ولی این اقدامات می‌تواند با محدودیت جدی مواجه شود.



عنوان: خروج از بن‌بست هسته‌ای

نویسنده: ریچارد دالتون^۱

منبع: Chatham House^۲

دیپلماسی هسته‌ای غرب که در قالب ۵+۱ انجام می‌گرفته ناکارآمد بوده و باعث شد که ایران در تولید سانتریفیوژها پیشرفت چشمگیری کند. اینک غرب باید این دیپلماسی را دوباره مطالعه کند. مهم‌ترین درس‌های این دیپلماسی ناکارآمد عبارتند از:

۱. این یک «توهم» است که با افزایش فشار و استفاده غرب از ابزارهای محدود خود، می‌توان باعث شد که اصلاح‌طلبان در ایران به قدرت برسند و سپس با معامله کنند.

۲. آنچه برخی در وزارتخارج آمریکا درباره مواجهه ایران با «معمای داخلی» می‌گویند یک خیال باطل است. براساس این دیدگاه فشار خارجی باعث بروز بحث و جدل‌های شدید در داخل ایران بر سر هزینه‌های سیاست خارجی می‌شود. درواقع اگرچه برخی از افراد در داخل حکومت ایران با ایده تعلیق، بازی تاکتیکی می‌کنند اما هنوز در داخل ایران این ایده پا نگرفته است که اگر رفتار «متعادل و مسئولانه» داشته باشیم منافع ملی ما بیشتر تأمین می‌شود.

۳. یکی از مسائل اساسی ایران این است که نسبت به ادعاهای مطرح شده در «مطالعات ادعایی» تبرئه شود چرا که عملاً این مطالعات باعث سلب اعتماد جهانی نسبت به تعهداتی که ایران در مذاکرات آینده خود با آمریکا برعهده خواهد گرفت می‌شود.

1. Richard Dalton, "Breaking the Nuclear Dead Lock", Chatham House, December 17, 2008.

۲. معروف‌ترین نهاد پژوهشی در انگلستان است.



۴. اینکه تنها تحریم‌ها بتوانند ایران را از غنی‌سازی منصرف کنند هیچ شانسی ندارد. اما باید چشم‌انداز قابل اعتمادی وجود داشته باشد که اگر ایران نسبت به مسائل کلیدی مثل اعتراف به فعالیت‌های گذشته و اجرای پروتکل الحاقی و موافقتنامه پادمان کوتاهی کرده یا در صدد فریب‌کاری در مذاکرات برآید آنگاه روابط ایران با جهان خارج باید متوقف شود. این رویکرد باید مورد توجه چین، روسیه و دیگر شرکای تجاری عمده ایران قرار گیرد.

۵. در نهایت اعضای گروه ۵+۱ مجبورند به‌جای تأکید بر «نفی غنی‌سازی» بر «نظارت کلی» بر تأسیسات ایران توانمند در غنی‌سازی اورانیوم، متمرکز شوند تا جلوی انحراف مواد هسته‌ای را گرفته و سرگیری فعالیت‌های نظامی حکومت آینده را سخت‌تر کنند.

۶. گروه ۵+۱ باید تلاش بیشتری را جهت دستیابی به یک تفاهم امنیتی در خلیج فارس انجام دهند.

۷. نگاه سیاه - سفید بسیاری از سیاستمداران آمریکا و ایران و شعارهای شدید آنها بر ضد هم موانع اصلی مناظره عقلایی درباره نوع سیاست‌گذاری این دو در قبال یکدیگر است.

۸. رئیس‌جمهور جدید آمریکا باید تماس‌های مستقیمی با ایران برقرار کند تا بر سر دستور کار مذاکره با ایران درباره طیفی از مسائل مشکل‌زا بین دو کشور و عوامل کاهنده تنش به توافق برسند. تنها عوامل توجیه‌کننده «انعطاف مشروط» آن است که هیچ راه دیگری که بتواند جلوی حرکت ایران را به سمت ساخت بمب بگیرد و باعث تقویت NPT و کاهش تنش در خاورمیانه گردد وجود ندارد.



عنوان: اسرائیل، غزه و ایران: درگیر کردن اوباما در تله تصورات نادرست^۱

نویسنده: ترتیا پارسی

منبع: The Huffington Post^۲

مقامات اسرائیلی جنگ غزه را جنگی میان اسرائیل از یکسو و اعراب میانه‌رو (عربستان، مصر و اردن) با ایران، سوریه، حزب‌الله و حماس می‌دانند. به عبارت دیگر اسرائیل با ایران در غزه مشغول نبرد بوده است. چنین اعتقادی باعث می‌شود احتمال تعامل دولت جدید آمریکا با ایران کاهش یابد. نویسنده در این گزارش معتقد است که هرگونه درگیری اسرائیل در منطقه به معنای درگیر شدن با ایران نیست و موارد فوق‌الذکر لزوماً صحیح نیست. به عبارت دیگر حماس همانند حزب‌الله نیست. زیرا که هماهنگی و نزدیکی ایران و حزب‌الله ریشه در ایدئولوژی شیعی (که جزء اصول منافع ملی ایران محسوب می‌شود) دارد، در حالی که روابط ایران و حماس این‌گونه نیست. حماس شاخه‌ای از اخوان المسلمین مصر است که مذهب سنی داشته و به همراه فتح که سکولار هستند در طول جنگ ایران و عراق، از صدام حمایت کردند. از سوی دیگر حمایت ایران از گروه‌های فلسطینی همواره لفظی بوده است به گونه‌ای که خود این گروه‌ها نیز بر این مسئله تأکید دارند، حتی در جنگ اخیر نیز ایران تنها به سخنرانی و شعار اکتفا کرد. براین اساس نویسنده معتقد است که از نظر ایران مسئله غزه را دامی از جانب اسرائیل است تا به وسیله آن ایران و حزب‌الله را به نبرد بکشاند و از این

1. Trita Parsi, "Israel, Gaza and Iran: Trapping Obama in Imagined Fault Lines", the Huffington Post January 13, 2009.

۲. از نشریات معتبر آمریکایی که به بررسی مسائل بین‌المللی می‌پردازد.



طریق اوباما را درگیر عمل انجام شده کند و مانع تحقق شعار تغییر و مذاکره با ایران گردد. از سوی دیگر افزایش تنش در منطقه و قطبی شدن فضا مانع از پیشبرد اهداف اوباما و تغییر رویه با ایران خواهد شد. هدف سوم اسرائیل، افزایش تنش و شکاف میان اعراب و ایران بوده است. زیرا که افزایش کشتار مردم غزه سبب تقویت موضع تبلیغاتی ایران علیه اعراب شد و هرچند در ابتدا دولت‌های عربی در قبال این جنگ سکوت کرده بودند، ولی به دلیل رسانه‌ای شدن اقدامات اسرائیل افکار عمومی عرب واکنش جدی نشان داد. نویسنده در پایان گزارش تأکید می‌کند که افزایش تنش‌ها در خاورمیانه به سود اسرائیل و آمریکا نبوده و سبب می‌شود دولت جدید آمریکا با مشکلات جدی در منطقه روبه‌رو شود.



عنوان: چه چیزی ایران را خوشحال می‌کند؟^۱

نویسنده: فرید زکریا

منبع: Newsweek^۲

وقتی از حملات اسرائیل به غزه سخن به میان می‌آید بسیاری از چهره‌های اسرائیلی می‌گویند که دشمن اصلی اسرائیل نه حماس بلکه ایران است. برخلاف تصور این کارشناسان، حماس پیاده نظام ایران نیست چراکه چندین دهه است که ایران یک گروه فلسطینی دیگر به نام جهاد اسلامی را بنیان نهاده است. دریافت کمک‌های حماس از ایران به معنای دستور گرفتن حماس از ایران نیست. به عنوان مثال تصمیم حماس مبنی بر رد آتش‌بس احتمالاً بدون هماهنگی با ایران صورت گرفته است. نویسنده با اشاره به تقویت موضع ایران در نتیجه جنگ اخیر می‌نویسد: کشورهای عرب میانه‌رو در موضع دفاع هستند. رژیم مبارک در مصر حماس را تحقیر می‌کند و آن را شاخه اخوان المسلمین می‌داند. هرچه کشورهای عرب سکوت کرده‌اند، صدای دولتمردان ایران بلندتر شده است. رئیس‌جمهور ایران حملات اسرائیل را محکوم کرده است و رهبر این کشور نیز در بیانیه‌ای کشورهای عرب را به دلیل آنکه در برابر مردم خود پاسخگو نیستند مورد انتقاد قرار داده و از علمای الازهر پرسیده است که آیا زمان آن فرا نرسیده که خطری را که متوجه اسلام و مسلمین است حس کنند؟

نویسنده معتقد است که بسیاری از رهبران عرب مانند مبارک و ملک عبدالله در اردن به دلیل آنکه نگرانی از بابت انتخاب شدن در انتخابات ندارند، در مورد حمله

1. Fareed Zakaria, "What Makes Ahmadinejad Smile?", Newsweek, Jan 19, 2009.

۲. از معروف‌ترین هفته‌نامه‌های بین‌المللی است.



اسرائیل به غزه همچنان ساکت کرده‌اند اما برای آنکه بدانیم افکار عمومی منطقه امروز در چه وضعیتی است باید به نظرات تنها رهبر جهان عرب که به شکلی دمکراتیک انتخاب شده (مالکی) توجه کنیم. نخست وزیر عراق از تمام کشورهای عرب خواسته است که تمام روابط دیپلماتیک و نیز تمام تماس‌های دولتی یا خصوصی خود را با این رژیم بی‌رحم قطع کنند. اقدامات نظامی اسرائیل موجی را که به سود این کشور در جریان بود را تضعیف کرد. در طول دو سال گذشته کشورهایی مانند مصر و عربستان و اردن به این نتیجه رسیده بودند که مهم‌ترین عامل نگرانی منطقه ایران است و در این مورد با اسرائیل هم‌داستان شده بودند. به عبارت دیگر اسرائیل وارد ائتلافی با این کشورها علیه ایران شده بود. نقطه ضعف این ائتلاف افکار عمومی عرب است که همراه ایران بوده و در قضیه غزه به ایران نزدیک‌تر شد. در ایران نیز اصلاح‌طلبان با انتشار تصاویر غزه در روزنامه‌های خود با تندروها هم‌زبان شده‌اند و مسائل داخلی به حاشیه رانده شده است. این مسئله مورد علاقه دولت است. واقعیت جنگ غزه آن است که غزه تنها خوراک ایدئولوژیک در اختیار حکمرانان تهران می‌گذارد، خوراکی که از آن لذت می‌برند و شاید این درس سیاسی این جنگ برای اسرائیلی‌ها باشد.



عنوان: ایران در قبال جنگ غزه بسیار می‌گوید و کم عمل می‌کند^۱

نویسنده: مهدی خلجی

منبع: The Washington Institute For Near East Policy^۲

نویسنده این گزارش جنگ غزه را فرصت مناسبی برای ایران در جلب افکار عمومی جهان اسلام، تضعیف موقعیت دولت‌های عربی و جلب حمایت گروه‌های طرفدار ایران در سراسر جهان دانسته است. در ابتدای گزارش نویسنده به بررسی تحولات اخیر در سیاست ایران در قبال جنگ غزه پرداخته و به سیاست‌های اعلامی مسئولین نظام، تجمعات دانشجویان، اعتراضات جدی علیه دفتر حفاظت منافع مصر و سفارت اردن، ثبت‌نام گروه‌های شهادت‌طلب و تعیین جایزه ترور حسنی مبارک اشاره کرده و تأکید کرده است که این حمایت‌ها بیشتر جنبه اعلامی، سیاسی و دیپلماتیک داشته است. به اعتقاد نویسنده اقداماتی مانند حمایت مالی و لجستیک از حماس یا حتی تصویب طرح حمایت از فلسطین در مجلس ایران تخصیص بودجه‌هایی در این زمینه نیز بیشتر در قالب حمایت‌های معنوی و سیاسی قرار می‌گیرد و کمتر به صورت واقعی محقق می‌شوند. با وجود این نویسنده در ادامه گزارش تأکید می‌کند که همین سیاست ایران نیز فضای ضداسرائیلی و ضدآمریکایی در داخل و خارج از کشور را تقویت کرده است. از سوی دیگر از نظر نویسنده، جنگ غزه زمینه گسترش تنش ایران با دولت‌های عربی را نیز گسترش داده است. درواقع این سیاست ایران اقدامی در پاسخ به همراهی

1. Mehdi Khalaji, "Iran Say Much, Does Little on Gaza", The Washington Institute for Near East Policy, January 8, 2009.

۲. از گروه‌های فکری و مؤسسات پژوهشی آمریکا در مسائل بین‌المللی است.



بیشتر دولت‌های عربی در نشست با ۱+۵ و مذاکره در مورد برنامه هسته‌ای ایران تنها در چند روز قبل از جنگ غزه است. از سوی دیگر باید توجه داشت که اولویت مسئله هسته‌ای و امنیت ملی ایران مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست خارجی ایران است و لذا جنگ غزه فرصتی برای تقویت مواضع ایران به حساب می‌آید. نویسنده در پایان گزارش تأکید می‌کند که علی‌رغم سیاست‌های ایران در قبال جنگ غزه مسلماً ایران به دنبال تیرگی روابط با دولت‌های عربی آن هم در آستانه مذاکرات پیش رو با اوباما نخواهد بود و لذا ایران تنها تلاش می‌کند تا با افزایش جایگاه خود از فرصت‌های موجود حداکثر استفاده را ببرد.



عنوان: انفعال اعراب در غزه، نفوذ ایران را تقویت کرده است^۱

نویسنده: لیلا ندیر

منبع: The Emirates Center for Strategic Studies and Research^۲

این گزارش به ارزیابی سیاست‌های ایران و اعراب در جنگ غزه پرداخته است و پیامدهای احتمالی آن را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده در ابتدای گزارش تأکید کرده است که سیاست ایران در قبال فلسطین کاملاً برخلاف رفتار دولت‌های عربی است. در این زمینه ایران به دنبال افزایش نفوذ منطقه‌ای خود است و تلاش می‌کند تا از روش‌های مختلفی به آن دست یابد، لذا همان‌گونه که در قبال عراق نیز با ایجاد جنگ فرقه‌ای به دنبال گسترش نفوذ خود بوده است. بنابراین در مسئله فلسطین یا حزب‌الله لبنان نیز همین‌گونه عمل می‌کند. به اعتقاد نویسنده سیاست ایران در قبال حمایت از حماس تنها سیاستی اعلامی است و علی‌رغم طرح اتهاماتی مانند کمک‌های تسلیحاتی و مالی ایران به حماس از سوی غرب، این مسئله بعید به نظر می‌رسد با این وجود، همین سیاست‌های حمایتی لفظی ایران از حماس و محکومیت اقدامات اسرائیل در غزه، فرصت مناسبی برای ایران در گسترش نفوذ آن در منطقه به وجود آورده است. درواقع به اعتقاد نویسنده اگرچه ایران سیاست‌هایی مانند تلاش برای اجلاس فوق‌العاده سران کنفرانس اسلامی، تظاهرات مردمی یا تلاش برای ایجاد دادگاه‌های محاکمه سران اسرائیل و حتی درخواست قطع صادرات نفت به اسرائیل و حامیان آن

1. Leila Nadir, "Arab Inaction on Gaza Promoting Iran Influence", The Emirates Center For Strategic Studies and Research, January 12, 2009.

۲. مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک امارات یکی از مراکز پژوهش منطقه در بررسی تحولات سیاسی و امنیتی است.



را پیگیری کرد. اما این سیاست‌ها هیچ‌گونه فایده و ثمره عملی به دنبال نداشته است. با این وجود، از نظر نویسندگان، سیاست‌های اعلامی ایران - برخلاف اقدامات مؤثر دولت‌های عربی در تصویب قطعنامه ۱۸۶۰ شورای امنیت - توانسته است افکار عمومی جهان اسلام را به خود جلب کند و این هدف اصلی ایران در سیاست‌های اعلامی آن در غزه بوده است. نویسنده گزارش در ادامه تلاش کرده است تا برای انحراف افکار عمومی از انفعال جهانی عرب به برخی از دلایل سیاست فعال ایران در قبال جنگ غزه اشاره کند. بر این اساس، تلاش دولت ایران برای تقویت مواضع خود در انتخابات، افزایش حمایت مردمی و انقلابی از دولت یا کاهش نارضایتی مردم از مشکلات داخلی و جلب توجه آنان به مسائل خارجی به عنوان برخی از دلایل سیاست‌های فعال ایران در غزه برشمرده شده است. با وجود این، نویسنده در ادامه گزارش تأکید کرده است که استراتژی ایران در جنگ غزه سبب محبوبیت آن در جهان اسلام شده و آن را به رهبر مسلمین جهان تبدیل کرده است. از سوی دیگر حمایت ایران از یک جنبش سنی نیز عملاً شکاف شیعه و سنی را کم‌رنگ‌تر کرده است. نویسنده معتقد است که علی‌رغم این دستاوردهای مهم در سیاست ایران در قبال غزه، رفتار ایران در این مسئله بدون ریسک و هزینه نیز نیست زیرا که اولاً سیاست ایران در قبال غزه به هماهنگی بیشتر دولت‌های عربی با آمریکا در اعمال سیاست انزوای ایران منجر می‌شود. ثانیاً تعاملات آن با دولت‌های عربی را با چالش مواجه می‌کند چنانچه تعاملات رو به بهبود ایران با مصر دچار مشکلات بسیاری شده است. ثالثاً حمایت ایران از حماس که به نظر آمریکا و اسرائیل گروهی تروریستی است زمینه حمله آمریکا یا اسرائیل به ایران در جنگ با تروریسم را نیز به وجود می‌آورد. در



پایان گزارش نویسنده تأکید می‌کند که در شرایط کنونی، ایران علی‌رغم هزینه‌های احتمالی موجود عملاً برنده جنگ غزه شده و خود را به‌عنوان نماینده افکار عمومی مسلمانان معرفی کرده است. این مسئله در کنار تصور انفعال دولت‌های عربی در قبال جنگ غزه می‌تواند زمینه بی‌ثباتی در دولت‌های عربی را نیز تشدید کند.



عنوان: ایران از حماس حمایت می‌کند اما حماس آلت دست ایران نیست^۱

نویسنده: کریم سجادپور

منبع: Council on Foreign Relations^۲

تعاملات ایران و حماس مهم‌ترین محور بحث این گزارش را تشکیل می‌دهد. در ابتدای گزارش تأکید شده است که اگرچه ایران به‌دلیل سیاست‌های ضد اسرائیلی به حمایت صریح از حماس می‌پردازد، اما باید توجه داشت که حماس به‌صورت مستقیم توسط ایران هدایت نمی‌شود و درواقع آلت دست ایران نیست. درواقع ایران با بهره‌گیری از فرصتی که پس از پیروزی حماس در انتخابات فلسطین در سال ۲۰۰۶ و قطع کمک‌های مالی آمریکا و اتحادیه اروپا به دولت حماس به‌وجود آمده است، کمک‌های مالی خود را به مبلغ ۵۰ میلیون دلار به حماس آغاز کرده و از این طریق تعاملات آن با حماس گسترده شده است، اما این مسئله بدین معنا نیست که حماس مطیع ایران است و توسط آن هدایت می‌شود. از سوی دیگر حمایت‌های ایران از حماس نیز بیشتر حمایت‌های معنوی و مالی است و علی‌رغم سیاست‌های اعلامی ایران مبنی بر ضرورت حمایت تسلیحاتی از حماس و جهاد اسلامی، آسان‌ترین روش کمک تسلیحاتی به این جنبش‌ها از سوی ایران، اعطای کمک مالی به آنان و خرید سلاح توسط خود این جنبش‌ها از بازار سیاه سوریه و مصر است زیرا که فرستادن سلاح به غزه بسیار سخت و پرهزینه است. با این وجود، باید توجه داشت که اگرچه حماس یک شاخه اخوان‌المسلمین با

1. Karim Sadjadpour, "Iran Support Hamas, But Hamas is Not Iranian Puppet", Council on Foreign Relations, January 8, 2009.

۲. شورای روابط خارجی آمریکا مهم‌ترین رکن مؤثر در سیاست‌گذاری آمریکاست.



رویکرد ایدئولوژیک سنی است و این مسئله شکاف‌هایی میان ایران شیعی و حماس سنی به وجود می‌آورد اما رویکرد ضداسرائیلی و ضدآمریکایی آنان و تلاش آنان برای تقویت پان‌اسلامیسم و همچنین کمک مالی ایران به حماس پس از تعلیق کمک‌های اعراب، آمریکا و اروپا عملاً نقش مهمی در گسترش تعاملات آنان داشته است. در ادامه گزارش با اشاره به سیاست‌های ایران در حمایت از حماس تأکید شده است که این سیاست‌ها بیشتر جنبه اعلامی و مالی داشته و ایران هرگز به دنبال ایجاد جنگ جدیدی در منطقه (حتی توسط حزب‌ا... لبنان علیه اسرائیل) نیست، زیرا که جنگ درونی در اسرائیل و جنگ در خانه دشمن برای ایران ابزار بسیار مؤثرتری در راستای گسترش نفوذ ایدئولوژیک آن در منطقه است. همچنین باید به این نکته توجه داشت که رویکرد ایدئولوژیک ضداسرائیلی جمهوری اسلامی ایران بیشتر متأثر از سیاست‌های رژیم پهلوی و تعاملات آن با اسرائیل به وجود آمده است و گرنه ایران نه دارای مرز مشترک با اسرائیل بوده و نه هیچ آواره فلسطینی در این کشور زندگی می‌کند. از سوی دیگر تساهل رفتاری ایرانیان با یهودیان در طول تاریخ نیز وجه شاهد دیگری بر این مدعا محسوب می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد که رویکرد ضداسرائیلی ایران متأثر از انقلاب اسلامی بوده و البته به موضوع غیرقابل انعطافی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. با توجه به این مسئله به نظر می‌رسد که سیاست خارجی اوپاما در مذاکرات با ایران نیز نباید با مسئله منازعات اعراب و اسرائیل و نقش ایران در این موضوع آغاز شود بلکه باید در پنج چالش دیگر سیاست خارجی آمریکا (یعنی افغانستان، عراق، مسئله هسته‌ای ایران، تروریسم و امنیت انرژی) که هر دو کشور ایران و آمریکا منافع مشترک دارند مذاکره کرد.



همچنین نباید با مذاکره نکردن با ایران و انزوای آن از روند صلح خاورمیانه، زمینه‌های تحریک فعالیت آن علیه روند صلح را به وجود آورد بلکه باید از طریق مذاکرات دوجانبه به این مسئله و نقش ایران در منطقه نیز پرداخت.



عنوان: شکست حماس، ایران را شکست نخواهد داد^۱

نویسنده: دالیا دساکي

منبع: Foreign Policy^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی جنگ غزه و تأثیرات آن بر نقش و جایگاه ایران در منطقه پرداخته و تأکید کرده است که پیامدهای جنگ اسرائیل و حماس اگرچه نقش مهمی در تحولات آتی خاورمیانه دارد، اما تأثیری در نقش و جایگاه ایران در منطقه نخواهد داشت. بر این اساس، نویسنده در ابتدای گزارش به نظر برخی از کارشناسان سیاسی مبنی بر اینکه هدف ثانوی حمله اسرائیل به غزه، جنگ نیابتی و غیرمستقیم با ایران است اشاره کرده و تصور آنان مبنی بر اینکه شکست حماس، بازی دومینوی شکست ایران و مقاومت اسلامی در منطقه است را تحلیلی نادرست دانسته است. از نظر نویسنده اگرچه ایران در سیاست‌های خود به حمایت از حماس پرداخته است، اما نفوذ منطقه‌ای آن منحصر به حماس نبوده تا شکست این جنبش سبب کاهش نفوذ ایران گردد. درواقع نفوذ ایران در خاورمیانه بسیار عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تر از تعاملات آن با حماس است. این نفوذ گسترده منطقه‌ای ایران نیز با حملات آمریکا به افغانستان و عراق تشدید شده و به مرزهایی فراتر از حوزه نفوذ آن در میان شیعیان رسیده است. به گونه‌ای که هم‌اکنون ایران در میان کلیه کشورهای عربی خاورمیانه نفوذ وسیعی دارد. بنابراین پیروزی اسرائیل در جنگ غزه نمی‌تواند تغییری در توازن نفوذ

1. Dalia Dassa Kaye, "Defeating Hamas Will Not Defeat Iran", www.foreignpolicy.com, January 14, 2009.

۲. از نشریات معتبر حوزه روابط بین‌الملل است.



اعراب یا اسرائیل با ایران به وجود آورد. در ادامه گزارش نویسنده تأکید می‌کند که جنگ غزه با فرض شکست حماس، تأثیری در سیاست‌های اعراب در قبال ایران نیز نخواهد داشت و بالتبع از نفوذ ایران در خاورمیانه نیز نخواهد کاست. این مسئله را می‌توان در سیاست اعراب در قبال برنامه هسته‌ای ایران مشاهده کرد به گونه‌ای که با فرض پیروزی اسرائیل در جنگ غزه نیز سیاست اعراب در هماهنگی با استراتژی آمریکا برای انزوای ایران و ایجاد ائتلافی مستحکم علیه ایران محقق نخواهد شد. از سوی دیگر جنگ غزه به دلیل سکوت اعراب در قبال تهاجم اسرائیل به غزه موقعیت اعراب را کاهش داده و لذا تغییری در سیاست اعراب در قبال برنامه هسته‌ای ایران و نفوذ آن در منطقه به وجود نخواهد آمد.

نویسنده در ادامه تأکید می‌کند که اگرچه ایران و حماس تعاملات نزدیکی با یکدیگر دارند، اما حماس یک جنبش سنی است و ایران رویکرد شیعی دارد و لذا تضعیف حماس زمینه تضعیف ایران که متحدان اساسی و مهم‌تری در لبنان و عراق دارند نیز نخواهد بود. با توجه به مجموعه این عوامل، نویسنده در پایان گزارش معتقد است که شواهد موجود نشان می‌دهد که شکست حماس، شکست ایران نیست. بنابراین به اعتقاد نویسنده از طریق مذاکره با ایران بهتر می‌توان بر عناصر قدرت آن مانند حماس تأثیر گذارد این در حالی است که جنگ غزه و حتی شکست حماس نیز تغییری در توازن قدرت منطقه‌ای ایران ندارد. لذا باید مذاکره با ایران در دستور کار قرار گیرد و وضعیت حماس و تعاملات ایران با این جنبش نیز بخشی از مذاکرات ایران و آمریکا باشد.



عنوان: وتوی ایران بر صلح خاورمیانه^۱

نویسنده: گرگ برونو

منبع: Council on Foreign Relations^۲

این گزارش به بررسی رویکردهای مختلف در قبال جنگ اسرائیل در غزه پرداخته و تلاش کرده است تا در این میان سیاست ایران و جایگاه آن در این جنگ را نیز مورد ارزیابی قرار دهد. در ابتدای گزارش تأکید شده است که در جنگ اخیر، ایران به عنوان یک متغیر کلیدی و مهم نقش داشته است. در واقع حمایت‌های صریح مقامات ایرانی و سیاست‌های آنان به ویژه پیشنهادهای مانند قطع صادرات نفت نشان‌دهنده این مسئله است. بر این اساس، به اعتقاد نویسندگان برخی از تحلیل‌گران جنگ غزه را صحنه رویارویی ایران و اسرائیل دانسته‌اند چون حماس در جنگی نیابتی شرکت دارد و از سوی ایران مورد حمایت‌های جدی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر نویسنده تأکید می‌کند که برخی از تحلیل‌گران معتقدند که روابط واقعی ایران و حماس کمتر از میزانی است که اسرائیل به آن اشاره می‌کند زیرا که محاصره غزه از سال ۲۰۰۶ میلادی تاکنون عملاً هرگونه کمک ایران به حماس را غیرممکن ساخته است. نویسنده در ادامه گزارش به بررسی گزینه‌های محتمل و مطلوب جنگ پرداخته است. از نظر نویسندگان اسرائیل هرگز گزینه شکست را مدنظر ندارد، اما اینکه پیروزی در جنگ به معنای دستیابی به چه شرایطی برای اسرائیل است مورد اختلاف تحلیل‌گران است. به گونه‌ای

1. Greg Bruno, "The Iranian Veto on Mideast Peace", Council on Foreign Relations, January 8, 2009.

۲. شورای روابط خارجی آمریکا مهم‌ترین رکن مؤثر در سیاست‌گذاری آمریکاست.



که برخی از آنان ایجاد آتش‌بس دیگری با حماس را نیز پیروزی اسرائیل در جنگ ارزیابی کرده‌اند. از سوی دیگر آمریکا معتقد است که اسرائیل باید برنده این جنگ باشد زیرا که شکست حماس عملاً جایگاه ایران در منطقه را تضعیف و موضع آن را در قبال پرونده هسته‌ای نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این شکست اسرائیل سبب تقویت جاه‌طلبی‌های ایران در جهان عرب و تضعیف دیپلماسی آمریکا در خاورمیانه می‌شود. نویسنده در پایان گزارش تأکید می‌کند که تنها راه مؤثر در فرایند صلح خاورمیانه و حل مشکلات کنونی منطقه، تقویت اعراب میانه‌رو برای جلب رضایت حماس در ایجاد صلح با اسرائیل است، اگرچه که برخی از تحلیل‌گران نقش ایران در این زمینه را نیز بسیار حائز اهمیت می‌دانند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۴۹۰

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۲۲)

Report Title: Kavosh (22)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۱۱/۱۴